



فراخوان چهل و چهارمین جشنواره تئاتر فجر

فراخوان چهل و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با دبیری سیدوحید فخرموسوی، برای برگزاری در بهمن‌ماه سال جاری منتشر شد. طبق اعلام اداره کل هنرهای نمایشی، این فراخوان که با شعار «تئاتر برای همبستگی و امید» منتشر شده، بخش‌های مختلف دارد و به‌طور ویژه تأکید بر تولید آثار نوآورانه و میان‌رشته‌ای است. جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر چهل و چهارم، بخش‌های متنوعی همچون نمایش‌های صحنه‌ای، نمایش‌های خیابانی، تئاتر ملل، بخش ایران من، دیگرگونه‌های اجرایی، مسابقه نمایشنامه‌نویسی، مسابقه و نمایشگاه عکس و پوستر تئاتر و فجر پلاس خواهد داشت. علاقمندان به حضور در این جشنواره می‌توانند از روز دوشنبه ۲۸ مهرماه با ارائه مدارک لازم، درخواست خود را از طریق درگاه رسمی جشنواره، به نشانی <https://tftf.theater.ir> ثبت کنند و در بخش‌های مختلف آن شرکت کنند.



آخرین فیلم تری گیلیام

تری گیلیام، فیلمساز سرشناس بریتانیایی، پس از اینکه پروژه «کارناوال در پایان روزها» با کارشکنی سرمایه‌گذاران به شکست انجامید، قصد دارد تا بار دیگر پرامونت را برای ساخت فیلم قدیمی‌اش، «کارگاه معیوب» متقاعد کند. این فیلم که پروژه‌ای است که گیلیام از اوایل دهه ۱۹۹۰ در پی ساخت آن است، نئونوآ فانتزی‌ای دربارۀ کارگاه است که از خلال تخیل دختربچه‌ای وارد دنیایی سوررئال و رؤیایی می‌شود؛ جهانی که کاملاً در قلمرو ذهن و سبک گیلیام قرار دارد. فیلم‌نامه‌مدت‌هاس‌ت در آرشپوپا رامونت خاک‌می‌خورد، اما گیلیام گفته بیش از هر زمان دیگری تمایل دارد این پروژه را به سرانجام برساند و آن را «آخرین فیلم پیش از مرگ‌اش» دانسته است. گیلیام آخرین بار در سال ۲۰۱۸ و در سن ۸۴ سالگی، فیلم «مردی که دن کیشوت را کشت» را کارگردانی کرد. فیلمی که او بیش از دو دهه برای ساخت آن تلاش کرده بود، اما با استقبال چندانی روبه‌رو نشد. با وجود چالش‌های مالی، گیلیام گفته که مصمم است این فیلم را به هر قیمتی بسازد.



درآمد مستند برنده اسکار برای فلسطینی‌ها

مستند برنده اسکار «سرزمین دیگری نیست»، از فردا به‌صورت مستقل در پلتفرم‌های اینترنتی آمریکا پخش می‌شود و آنگاه که رسانه‌ها نوشته‌اند، درآمد آن به جامعه فلسطینیان اختصاص خواهد یافت. قرار است اپل تی‌وی، آمازون، گوگل‌پلی و یوتیوب این مستند را منتشر کنند. سازندگان فیلم پس از ماه‌ها مذاکره، قرارداد پخش با شرکت «موبی» را به‌دلیل حمایت مالی این شرکت از «اسکویا»، یک کمپانی مرتبط با اسرائیل، رد کردند. این مستند به خشونت شهرکنشینان اسرائیلی و آوارگی فلسطینی‌ها می‌پردازد. این فیلم که نخستین بار در جشنواره برلین نمایش داده شد، موفق به کسب جایزه اسکار بهترین فیلم مستند بلند شده و پیش‌تر به‌صورت مستقل در سینماهای آمریکا اکران و فروش ۲/۵ میلیون دلاری داشته است. سازندگانش تأکید دارند که فیلم، واقعیت اشغال و سرکوب فلسطینی‌ها را به تصویر می‌کشد و حاضر نیستند آن را در پلتفرم‌هایی منتشر کنند که با نهادهای مرتبط با اسرائیل همکاری دارند.

فرهنگ

CULTURE

۱۴



علی هادوی

دانش‌آموخته دکتری فلسفه

چو گام از «حد» خود بیرون نهدای
به نادانی قدم در «خون» نهدای

▼ مکان؛ امر احاطه‌کننده

حد ما کجاست که اگر از آن خارج شویم در خون خواهیم افتاد؟ من در پاسخ به این پرسش به یاد عبارت «جنایت و مکافات» می‌افتم. گویی حد ما دقیقاً مابین «جنایت» و «مکافات» است، درست مانند «واو» جنایت و مکافات، باید فاصله‌مان را از جنایات و مکافات حفظ کنیم، تا از این دو رخداد دهشتناک رنج‌آلوده، در امان باشیم. مکان ما و حد ما همان جایی است که بتوانیم زیست اصیل داشته باشیم، بی‌آنکه خود و دیگری را به‌خطر بیاندازیم. درست شبیه شعر عطار در الهی‌نامه که در ابتدای یادداشت آورده شد، باید بدانیم که آن‌سوی مکان ما، خون است و نابودی، رنج است و بیداد، چهل است و نادانی. بی‌مکان بودن، فضیلتی را به‌همراه ندارد و ما را بی‌جهان و بی‌خانمان خواهد ساخت، هنر زیستن در «مکانمند» بودن است، آن‌گاه که به مکان‌مان پایبند باشیم، به شکفتگی و گشودگی در جهان همت گماشته‌ایم و امکانات جدید را پدید می‌آوریم. حال پرسشی مطرح می‌شود که این «مکان» کجاست؟ به‌قول ارسطو مکان، نخستین چیزی است که هر شیئی را «احاطه» می‌کند. بدین‌معنا باید توجه داشته باشیم که منظور ما از مکان در این نوشته، چیزی بسیار فراتر از یک ظرف یا محیط فیزیکی است که در آن قرار گرفته باشیم. منظور از مکان، آن چیزی است که در تمام شئونات و ویژگی‌های زیستی ما موثر و تعیین‌کننده است. منظور از مکان، اتاق و خانه و خیابان نیست، که از یکی‌شان خارج می‌شویم و به دیگری قدم می‌نهیم، بلکه منظور مان از مکان، آنی است که چه در خانه و چه در خیابان باشیم، همچنان در آن مکان احاطه‌کننده هستیم. می‌توان برای اتاق، خانه و... تعبیر «اقامتگاه» را به‌کار برد، که می‌توانیم آن‌ها را بدرد بگوییم و دوباره به ایشان بازگردیم، بی‌آن‌که آسیبی به ما یا دیگری برسد، بی‌آن‌که جنایت کنیم یا مجازات شویم. اما خروج از مکان، به این سادگی نیست، خروج از مکان یعنی درآمیختن با جنایت و مکافات، یعنی آسیب‌دیدن و آسیب‌رساندن. مکان احاطه‌کننده، آن جایی است که قواعد اقامتگاه‌ها را ایجاد می‌کند و حتی نسبت ما با این اقامتگاه‌ها را مشخص می‌سازد. بااین‌حال تأکیدی نسبت به ویژگی احاطه‌کنندگی مکان دارم و آن، این‌که احاطه‌گری مکان را نباید نوعی تسلط محدودکننده تعبیر کرد، اتفاقاً باید مکان را به‌معنای امری امکان‌ساز و امکان‌بخش دانست. ما صرفاً در «مکان خود» می‌توانیم فعلیت بیابیم و امکانات خود را محقق کنیم.

▼ هستی‌شناسی مکان

احاطه‌شدن در مکان را باید از حیث هستی‌شناسانه مورد توجه قرار دهیم، نه معرفت‌شناسانه. ما در طول تاریخ اندیشه، عمدتاً مفهوم مکان را با فیزیک و ماده گره زدیم و آن را از بُعد معرفتی مورد توجه قرار دادیم، حال آن‌که مکان علی‌الصول یک مفهوم هستی‌شناسانه است که در ساختار و هویت وجودی ما نقش ایفا می‌کند، نه فقط در زیست فیزیکیال و مادی ما.

مکان را نباید محدوده و مرز در نظر بگیریم، بلکه مکان، جوهری بدون مرز است که ویژگی‌ها و ظرفیت‌ها را مشخص می‌کند. رفتار مکانمند به‌معنای رفتار محدود و در چار چوب نیست، بلکه به‌معنای رفتاری است که پیوند میان ابزار، ظرفیت و تمایل را رقم می‌زند. درست مانند «بدن انسانی»، بدن انسانی برای ما یک امر هستی‌شناسانه است که ما ظرفیت‌ها و امکانات‌مان را باید مبتنی بر آن پیش ببریم و این به آن معنا نیست که بدن، ما را محدود کرده است، بلکه به آن معناست که امکانات ما از طریق ویژگی‌های این بدن به فعلیت خواهند رسید. باری، «مکان» در چنین مفهومی درواقع محافظت‌کننده است. مکان است که از همه‌چیز محافظت می‌کند، مکان، احاطه‌گری است که دست غیر را پس می‌زند و تنها آنچه را که در نسبت با خود باشد، می‌پذیرد و می‌پرورد. مکان، جایی است که می‌مان خود را امکان شکوفایی می‌بخشد و ایشان را بی‌آن‌که در معرض «تصرف» و «بی‌جایی» قرار گیرند، معنا و هویت می‌دهد. فلذا بر ماست که مکان را در یک لایه هستی‌شناسانه دریابیم که هم ما را احاطه کرده و هم امکان شکوفایی به ما می‌دهد. «زیست اصیل» برای ما صرفاً با درک این مهم است که امکان‌پذیر می‌شود. همان‌گونه که هایدگر می‌گوید، ما برای زیستن باید «اقامت» در کنار چیزها را بیاموزیم. پس از این جهت باید تأکید کنیم که زیستن به‌طور مستقیم در نسبت و تناسب با فهم این نکته است؛ ما در مکان خود احاطه هستیم. فراموش کردن یا چشم‌پوشیدن بر این گزاره مهم، لاجرم نتیجه‌ای را رقم خواهد زد که در داستان عطار به آن اشاره شده است.

مدعای این نوشتار آن است که مفهوم «مکان» و «مکانمندی» در جهان امروز، ما را به‌سوی زیست اصیل سوق می‌دهد و می‌تواند امکانات پیش‌روی ما را افزایش داده و محقق کند. بااین‌حال تأکید ما بر مکانی است که منطقه ما در آن واقع شده است و از آن با عنوان «آمونیل» تعبیر می‌کنیم. برای شفاف‌ترشدن بحث، احتمالاً لازم باشد تا به برخی انگاره‌ها و مفاهیم فلسفی مانند مکانمندی و برخی تصورات تاریخی مانند مفهوم اقلیم بپردازیم.

روایت هم‌مکانی از رود آمو تا رود نیل



تکس: Getty Images

▼ مکان و مکانمندی

کاسیرر فیلسوف آلمانی، بیان می‌کند که انسان هیچ‌گاه با جهان بیرون از خود به‌مثابه یک واقعیت و امر فی‌نفسه مواجه نمی‌شود، بلکه همواره جهانی میان ما (انسان‌ها) و جهان واقعیت حائل می‌شود و ما از دریچه آن جهان حائل و سمبلیک است که واقعیات را می‌بینیم، بر آن‌ها «نام» می‌نهیم و تفسیرشان می‌کنیم. کاسیرر می‌خواهد این جهان حائل یا جهان سمبلیک را معلول «روح انسان» معرفی کند، اما به‌نظر می‌رسد این تحلیل نتواند مسئله عمیقی که کاسیرر مطرح کرده را درست تبیین کند. این مسئله که همواره «چیزی» میان ما و جهان واقع حائل می‌شود و اجازه دسترسی بی‌واسطه با شیء فی‌نفسه را نمی‌دهد، بنابراین مواجهه ما با چیزها، همواره آمیخته با جهانی سمبلیک است. اما پرسش آن است که این جهان سمبلیک چیست؟ همان‌طور که بیان شد، کاسیرر این جهان را مرتبط با روح انسانی در نظر می‌گیرد، اما مسئله آن است که باید این مسئله را عمیق‌تر دید. مدعای نوشتار حاضر این است که آن جهان سمبلیک (به‌تعبیر کاسیرر) درواقع به مکان و مکانمندی ما مرتبط است. یعنی اگر مفهومی در گوشه‌ای از جهان به‌نحوی فهم می‌شود و در گوشه‌ای دیگر از جهان به‌نحوی متفاوت، این به مکان و مکانمندی مرتبط است. مکان البته اعم از جغرافیاست و صرفاً به جغرافیای زیست افراد محدود نمی‌شود. مکان، عرصه‌ای است که جغرافیا، فرهنگ، حافظه تمدنی و مدل مواجهه ما با جهان را شامل می‌شود. مکانمندی نیز به‌معنای پایبندی و تعهد به ویژگی‌های «مکانی» که در آن حاضر هستیم» است. باید در نظر داشته باشیم که ما پیش از یافتن هر هویتی، ابتدا «در-جایی» هستیم و مکانمندیم، فلذا باید به فهم و توجهی جدی نسبت به آن مکان اهتمام بورزیم. این فهم و توجه به ایجاد اراده و تصمیمات متناسب ختم خواهد شد و واضح است که عدم‌درک از این مهم نیز، به نقش‌آفرینی و حتی فرآیند هویتی‌مان آسیب جدی خواهد زد. این پرسش که اینجا کجاست؟ اهتمام ورزیدن به این نکته است که ما

در «اینجا» ی جهان ایستاده ایم و از اینجا یا دیگری نسبت برقرار می‌کنیم، از اینجااست که معادله میان حال، گذشته و آینده ما صورت می‌پذیرد؛ پس نادیده انگاشتن کجاستی یعنی برهم‌زدن تمام این پیوندهای حیاتی. این نوشتار و ایده «آمونیل»، کاملاً مبتنی بر همین نظرگاه فلسفی طرح شده است، هر چند در خلال آن از گزاره‌های تاریخی استفاده شده اما بی‌شک این مفاهیم به‌منظور تعمیق هرچه بیشتر بحث فلسفی یا به‌جهت ذکر برخی مصادیق و شاهد مثال‌ها، بیان شده‌اند.

▼ مکان؛ اقلیم و قلمرو

در انگاره‌های جغرافیایی حکما، زمین به چهار بخش تقسیم می‌شود که تنها یکی از آن‌ها قابلیت زیست دارد و آن را ربع‌مسکون می‌نامند. ربع‌مسکون، خود به هفت اقلیم تقسیم می‌شود و هر اقلیم، ویژگی‌ها و شرایط خاص خویش را داراست. یاقوت حموی در توضیح واژه‌ی «اقلیم» می‌گوید: اقلیم، واژه‌ای تازی و مفرد است و جمع آن «اقالیم» است. گویا از آن‌رو هر بخش را اقلیم نامیده‌اند که از دیگر بخش‌ها قلم شده است؛ و «قلم» در عربی به‌معنای جدایی است. شاید از همین روست که یکی از واژه‌هایی که ما برای نشان‌دادن حوزه‌ی اقتدار یا نفوذ حکومت‌ها به‌کار می‌بریم، قلمرو است؛ یعنی مکانی که از دیگر مکان‌ها مجزا و متمایز است و در فهم، فکر و تصور، تفاوتی ماهوی با دیگری دارد. اکنون باید در این تقسیم‌بندی سیاسی حکما عمیق‌تر نگریست و چرایی آن را از حیث هستی‌شناسانه واکاود. هفت اقلیم درواقع توضیحی است برای تفاوت مکان‌ها، و به تناسب آن، اشاره‌ای دارد به «مکانمندی» در عرصه‌ی اندیشه‌ی سیاسی؛ مفهومی نزدیک‌به همان معنایی که فلاسفه از آن با عنوان مراتب وجود یاد می‌کنند. موجودات، برحسب مرتبه و مکانی که در هستی دارند، از ویژگی‌ها و ذاتی خاص برخوردارند و بهره‌ی وجودی‌شان نیز متناسب با همان جایگاه رقم می‌خورد. زیستن در هر اقلیم یا قلمرو نیز مرتبه‌ای وجودی در عرصه‌ی سیاسی به‌شمار می‌آید و در نقش‌آفرینی جهانی